



تأثیر شمس الدین شهرزوری بر ابن ابی جمهور احسائی^۱

○ زاینده اشمیتکه

○ ترجمه: محمد کاظم رحمتی

و ظاهراً او یکی از مهمترین افراد در نشر و شرح فلسفه اسلامی پس از ابن سینا به واسطه اشاعه تعلیم سهروردی است.^۱ او فرد کاملاً معروفی به واسطه نگارش کتاب جامع تاریخ فلسفه، نزهه الارواح و روضه الافراح فی تاریخ الحكماء و الفلاسفه است.^۲ شرح حکمت الاشراق وی و خصوصاً اثر سترگ دائره المعارف گونه فلسفی اش، الشجره الالهیه فی علوم الحقائق الربانیه اهمیت بسیار مهمی برای متفکران بعدی شیعی داشته است.^۳ شجره الاهیة در ۶۸۰هـ/۱۲۸۱م تألیف شده و ظاهراً یکی از آخرین آثارش است.^۴ سبک و محتوی کتاب بازتاب دهنده پختگی مولف در مقام عالم و فیلسوفی کامل است.^۵ این اثر مستقل فلسفی به پنج رساله؛ روش و تقسیمات ما بعد الطبیعه، منطق، حکمت عملی، طبیعت و ما بعد الطبیعه تقسیم شده است.^۶ شهرزوری متفکرانه از نظرات متفاوت مکاتب مختلف در ذیل مسائل مورد بحث سخن می‌گوید و اغلب خود پیرو و تکمیل‌گر نظرات سهروردی است.^۷ اهمیت نوشته‌های شهرزوری برای متفکران بعدی امامیه پیشتر مورد توجه قرار گرفته است. قطب الدین شیرازی (متوفی ۷۱۰هـ/۱۳۱۱م) در نگارش شرح خود بر حکمت اشراق کاملاً متکی بر شرح شهرزوری بوده است.^۸ به علاوه ارجاعات مفصّلی به شجره الاهیة در شماری از آثار میرداماد (متوفی ۱۰۴۰/۱۶۳۱) و صدر الدین شیرازی (م ۱۰۵۰هـ/۱۶۴۰) نیز یافت می‌گردد.^۹ در میان نویسندگان غیر مسلمان، ابن کمونه (متوفی ۶۸۳هـ/۱۲۸۴م) یکی دیگر از شارحان قدیمی نوشته‌های

حیات معنوی و فکری در سرزمین‌های شرقی جهان اسلام در دوره بعد از فلسفه اسلامی ابن سیناگرا، متأثر از فلسفه ارسطویی ابن سینا (متوفی ۴۲۸هـ/۱۰۳۷م)، عقیده وحدت وجود ابن عربی (متوفی ۶۳۸هـ/۱۲۴۰م) و تعلیم شهاب الدین یحیی سهروردی (متوفی ۵۴۹هـ/۱۱۵۴م یا ۵۹۷هـ/۱۱۹۱م) بوده است. سهروردی مؤسس طریقت حکمت اشراق و مشهور به شیخ اشراق است. فلسفه ابن سینا در قرن هشتم از طریق کتب فلسفی نصیرالدین طوسی (متوفی ۶۷۲هـ/۱۲۷۴م) بار دیگر احیاء گردید.^{۱۰} در گسترش نظرات ابن عربی در سرزمین‌های شرقی، نگاشته‌های مهمترین شاگردش صدر الدین قونوی (متوفی ۶۷۶هـ/۱۲۷۳م) در درجه نخست اهمیت قرار دارند.^{۱۱} به علاوه این دو مکتب رایج، فلسفه حکمت اشراق سهروردی به زودی یکی از مکاتب غالب فلسفه اسلامی گردید.^{۱۲} و تأثیر مهمی بر تحول کلام و فلسفه شیعی از قرن هشتم/ سیزدهم به بعد نهاد.^{۱۳} در طی قرون بعد نظرات مختلف فکری به تدریج به تعامل با کلام پرداخت که نقطه اوج آن فلسفه صدر الدین شیرازی (متوفی ۱۰۵۰هـ/۱۶۴۰م) و دیگر نمایندگان مکتب فلسفی که به مکتب فلسفه اصفهان در قرن یازدهم/ هفدهم نامیده می‌شود است.^{۱۴}

اغلب متکلمان بعدی شیعی از طریق شمس الدین محمد بن محمود شهرزوری (متوفی بعد از ۶۷۸هـ/۱۲۸۸م) با تعلیم مکتب اشراق آشنا گردیدند. شهرزوری نخستین شرح را بر حکمت اشراق سهروردی نگاشت^{۱۵}

سهروردی شدیداً متأثر از نوشته‌های سهروردی بوده است.^{۳۰}

اثر دیگری که گواه روشنی از نفوذ شهرزوری بر متفکران بعدی شیعی را در بر دارد کتاب *المجلی* نوشته ابن ابی جمهور احسائی (متوفی بعد از ۹۰۴/۱۴۹۹م)، عالم امامی از احساء بحرین است.^{۳۱} کتاب *مجلی* مرات المنجی شرحی بر کتاب *نور المنجی من الظلام* نگاشته احسائی است که خود شرحی بر اثر بسیار مختصرش، کتاب *مسلك* (یا *مسالك*) *الافهام فی علم الکلام* است. همان گونه که عنوان کتاب اصل نشان می‌دهد کتاب اساساً نوشته‌ای در علم کلام است.^{۳۲} گرچه ابن ابی جمهور به نحو آزادانه‌ای در این کتاب کلام سنتی معتزلی را با فلسفه ارسطویی، فلسفه اشراق و تعالیم وحدت وجود ابن عربی درهم آمیخته و به گونه‌ای بی سابقه ترکیبی از این مکاتب را پدید آورده است. بر این اساس در بعد او در جستجوی آشتی دادن تعالیم متعارض معتزله با اشاعره بر آمده است.^{۳۳} تمام این سه کتاب را در سالهای آخر حیات خود نگاشته است. تالیف کتاب *النور المنجی*^{۳۴} در ۸۹۳/۱۴۸۸م و کتاب *المجلی* در ۸۹۵/۹۰۰-۱۴۸۹م پایان یافته است.^{۳۵}

در کتاب *النور المنجی* که شرح مفصلی از ابن ابی جمهور بر کتاب *المسالک* است وی اغلب به بسط تعالیم عرفانی و ابعاد اشراقی مسائل مورد بحث می‌پردازد. بر عکس در شرح *مسالك* یعنی کتاب *المجلی*، ابن ابی جمهور در اکثریت موارد بحث خود را محدود به بسط مسائل خاص یا برهانهای ذکر شده در دو کتاب دیگر کرده است. او معمولاً تنها مسائلی را شرح می‌دهد که از سنت اشراقی و عرفانی سرچشمه می‌گیرند. در موارد اندکی که اصل کتاب شرح محدود به مسائل کلامی صرف است و بی ارتباط با مفهوم فلسفه اشراق یا عرفان است در شرح اغلب مسکوت مانده است.^{۳۶} قابل توجه است که علیرغم توافقی با نظرات عمده معتزله و شخصیت کلامی که اساساً در بیشتر نظرات پیرو معتزله است ابن ابی جمهور در شرح به طرفداران تعالیم معتزله با عنوان عدلیه بدون هیچ ابراز تعلق خاطر خود به آنها اشاره می‌کند.^{۳۷} گرچه در مواردی او خواننده را به کتاب‌های کلامی (کتبنا الکلامیه) ارجاع می‌دهد ظاهراً کتاب حاضر را در شمار آثار کلامی نمی‌دانسته است.^{۳۸}

از شواهد کتب اولیه‌اش در کلام، خاصه کشف البراهین، شرحی بر زاد المسافرین نگاشته خودش، که ابن ابی جمهور در ۸۷۸/۱۳۷۴م آن را به پایان رسانده است همچنین از اثر مفصلترش، کتاب *معین المعین فی اصول الدین* که به آن اغلب در کتاب کشف البراهین اشاره می‌کند،^{۳۹} مشخص می‌گردد که وی هنوز آشنایی با فلسفه اشراق نداشته زمانی که این کتابها را تالیف می‌کرده است.^{۴۰} در اکثر مسائل او پیرو کلام سنتی معتزلی بوده است و معمولاً نظرات ابوالحسن بصری (متوفی ۴۳۶/۱۰۴۴م) و پیروانش را پذیرفته و آزادانه آنها را با واژگان و مفاهیم فلسفی در آمیخته است، گرچه آنها

متعارض با موضع گیریهای سنتی معتزله نیستند.^{۴۱} بر این اساس، او پیشتر در جستجوی همسان نمودن نظرات اشاعره با معتزله بوده نظری که در کتاب *المجلی* آنرا تکمیل نمود.^{۴۲} بنابراین محتمل است که ابن ابی جمهور، با اندیشه شهرزوری تنها بعد از ۸۷۸/۱۳۷۴م آشنا شده است. به علاوه از شواهد در کتاب *المجلی* چنین بر می آید که وی احتمالاً از طریق شجره الاهیة شهرزوری با مکتب اشراق آشنا شده است.

در سرناسر کتاب *المجلی* و دو کتاب اساس (که *مجلی* شرح آنهاست) نفوذ و تاثیر شجره الاهیة شهرزوری مشهود است. در شرح کتاب *نور المنجی* من الظلام، ابن ابی جمهور در موارد بسیاری خط سیر برهانهای شهرزوری در کتابش شجره الاهیة را پی گرفته است.^{۴۳}

مهمترین نکته، تاثیر شجره الاهیة بر شرح ابن ابی جمهور، کتاب *المجلی* است. عبارت‌های مفصل متعددی از کتاب *المجلی* همانند با شجره الاهیة است و ظاهراً به نحو مستقیم از شجره الاهیة رونویسی شده‌اند.^{۴۴} در بحث از مسائل، ابن ابی جمهور به روشنی نظرات اشراقی را می‌پذیرد تا نظرات فلاسفه ارسطویی یا نظرات مکتب وحدت وجود ابن عربی، تمام فصول شجره الاهیة را می‌توان در کتاب *مجلی* مشخص نمود.^{۴۵} با اسیل دانستن عبارت‌های استنتاج شده محتمل‌تر آن است که فرض نمود ابن ابی جمهور به کتاب از طریق اثر دیگری دسترسی نداشته بلکه متن خود کتاب در دسترسش بوده و مطالبش را از آن اخذ کرده است.

ابن ابی جمهور، به نحو نامشخصی در ارجاع به خواننده‌اش در مورد منبع این عبارات بسنده می‌کند. حتی نام مولف یا خود کتاب به صراحت در هیچ جای کتابش ذکر نشده است.^{۴۶} این رویه غیر معمول ابن ابی جمهور است که معمولاً منابعش را در نگاشته‌هایش ذکر می‌کند.^{۴۷} در اکثر موارد، ابن ابی جمهور به خواننده‌اش اطلاع نمی‌دهد که مطلب آرایه شده از کتابی برگرفته شده و این احساس را بر می‌انگیزد که تفصیلات بعدی از خودش است. در مواردی او تذکر می‌دهد که آنچه پیروی می‌کند یا آنچه که گفته خواهد شد، نظر دیگران است که اشاره‌ای است که او از نوشته‌های دیگران نقل می‌کند.^{۴۸} گاهی او عبارت را با بیان اینکه نظر برخی متأخران پیرو مکتب اشراق (بعض اهل الاشراق من المتأخرین)^{۴۹}، برخی از عالمان متأخر (بعض المتأخرین)^{۵۰}، برخی از فلاسفه متأخر مسلمان (بعض الحكماء الاسلامیه من المتأخرین)^{۵۱} برخی از فلاسفه متأخر مسلمان (بعض المتأخرین من الحكماء الاسلامین)^{۵۲}، یا برخی از مردمان خردمند (بعض اهل الحکمه)^{۵۳} معرفی می‌کند. در نزد نویسندگان مسلمان قرون میانه، غیر معمول نیست که از آثار نویسندگان دیگر بدون ذکر ماخذ به نحو گسترده‌ای استفاده کنند چرا که دیدگاه نویسندگان اسلامی قرون میانه نسبت به سرقت ادبی و نقل مطلب بدون ذکر نام کتاب یا ابداع اثر متفاوت از مفهوم سرقت ادبی معاصر است.^{۵۴}



مجله ص ۸۵ سطور ۵ - ۲۳ از شجره برگ ۳۴۵ رو سطر ۲۰ تا برگ ۳۵۴ پ
 مجله ص ۸۵ سطر ۲۳ تا سطر ۷ ص ۸۷ از شجره برگ ۳۴۱ پ سطر ۳۰ تا سطر اول برگ ۳۴۳ پ
 مجله ص ۱۰۳ سطر ۱۰ تا ص ۱۰۴ سطر ۱۴ از شجره برگ ۳۱۱ پ سطر ۱۷ تا سطر ۳۰ برگ ۳۱۲ رو
 مجله ص ۱۱۸ سطر ۱۳ تا سطر ۷ ص ۱۲۳ از شجره برگ ۳۲۶ پ سطر ۳۰ تا سطر ۲۳ برگ ۳۲۸ پ
 مجله ص ۱۲۲ سطور ۸ - ۲۴ از شجره برگ ۳۳۵ رو سطر ۱۷ تا سطر سوم برگ ۳۳۵ پ
 مجله ص ۱۲۳ سطر ۱۴ تا سطر ۱۱ ص ۱۲۸ از شجره برگ ۳۲۸ پ سطر ۲۴ تا سطر ۲۴ برگ ۳۳۱ رو
 مجله ص ۱۲۶ سطر ۱۴ تا سطر اول ص ۱۳۷ از شجره برگ ۳۸۲ پ سطر ۲۳ تا برگ ۳۸۲ رو سطر ۷
 مجله ص ۱۳۷ سطور ۱ - ۹ از شجره برگ ۳۸۲ پ سطور ۱۷ - ۳۱
 مجله ص ۱۳۷ سطور ۹ - ۱۳ از شجره برگ ۳۸۴ رو سطر ۹ به بعد
 مجله ص ۱۳۷ سطور ۱۳ تا ۱۸ از شجره برگ ۳۸۴ پ سطور ۲۱ - ۳۰
 مجله ص ۱۳۷ سطر ۲۲ تا سطر ۱۲ ص ۱۲۸ از شجره برگ ۳۸۸ پ سطر ۱۲ تا سطر ۱۴ برگ ۳۸۹ رو
 مجله ص ۱۳۸ سطر ۱۵ تا سطر ۲۶ ص ۱۴۰ از شجره برگ ۳۸۹ رو سطر ۲۵ تا برگ ۳۹۰ رو سطر ۱۰
 مجله ص ۱۴۳ سطر ۱۲ تا سطر ۲۴ ص ۱۴۴ از شجره برگ ۴۲۳ پ سطر ۲۱ تا برگ ۴۲۴ پ سطر ۲۵
 مجله ص ۱۴۷ سطر ۲۲ تا سطر ۲۴ ص ۱۴۸ از شجره برگ ۳۳۳ رو سطر ۲۷ تا سطر سوم برگ ۳۳۴ رو
 مجله ص ۱۵۲ سطر ۱۵ تا سطر ۱۵ ص ۱۵۶ از شجره برگ ۳۳۱ رو سطر ۲۴ تا سطر ۲۶ برگ ۳۳۳ رو
 مجله ص ۱۵۶ سطر ۱۵ تا ص ۱۵۸ سطر ۲۶ از شجره برگ ۳۳۴ رو سطر سوم تا برگ ۳۳۵ رو سطر ۱۴
 مجله ص ۱۶۵ سطور ۱۰ - ۱۲ از شجره برگ ۳۸۲ پ سطور ۲۰ - ۲۳
 مجله ص ۱۶۵ سطور ۱۲ - ۱۴ از شجره برگ ۳۸۲ رو سطور ۱۳ - ۱۵
 مجله ص ۱۶۵ سطر ۱۴ تا سطر ۱۶ ص ۱۶۶ از شجره برگ ۳۸۲ رو سطر ۱۹ تا سطر ۲۱ برگ ۳۸۲ پ
 مجله ص ۱۸۳ سطر ۹ تا سطر ۲۱ ص ۱۸۸ از شجره برگ ۳۳۵ پ سطر ۴ تا سطر ۱۵ برگ ۳۳۸ رو
 مجله ص ۲۰۱ سطر ۱۳ تا سطر ۴ ص ۲۰۲ از شجره برگ ۳۳۸ رو سطر ۱۶ تا سطر ۸ برگ ۳۳۸ پ
 مجله ص ۲۰۵ سطر ۵ تا ص ۲۰۶ سطر ۱۳ از شجره برگ ۳۷۸ پ سطر ۲۰ تا سطر ۸ برگ ۳۸۱ پ

قصد این ابی جمهور در شرح، تفصیل مسائل خاص ذکر شده در کتاب اساس و شرح است. با توجه به ویژگی نافذ شجره الاهی^۳ که تنها منبع فلسفه اشراق این ابی جمهور بوده غیر طبیعی نیست که عبارت‌های مفصلی از این کتاب رونویسی شده باشد.^۴ در پرتو شواهدی از آثار قطب الدین شیرازی و این کمونه که وی پیشتر در نگارش شرح خود بر حکمت اشراق، از شرح شهرزوری بر حکمت اشراق و تلویحات به عنوان منبع بی واسطه‌اش اشاره نکرده است،^۵ می‌توان ادعا نمود که نقل مفصل مطالب از کتاب دیگری در آن دوره بسیار متداول بوده است.

ارایه شماره صفحات منقول از شجره الاهی شهرزوری، برای مراجعه به نسخ خطی در دسترس از متون بعدی برای چاپ انتقادی کتاب المجله این ابی‌جمهور کاملاً ضروری است.^۶ همین گونه این کار برای شروح مختلف نوشته شده توسط این کمونه و قطب الدین شیرازی بر نوشته‌های شهرزوری که اغلب هنوز به چاپ نرسیده‌اند نیز به کار می‌آید.

ضمیمه

صفحات ذکر شده ذیل را می‌توان ذکر نمود که رونویسی دقیق از شجره الاهی هستند. عبارت‌هایی که با ستاره مشخص شده‌اند، ظاهراً مبتنی بر عبارت‌هایی از شجره الاهی‌اند، گرچه این عبارت‌ها به نحو تلخیص شده، رونویسی شده‌اند.

مجله ص ۱۳ سطر ۴ - ۲۳ از شجره برگ ۳۵۴ پ سطر ۲۹ تا سطر ۲۱ برگ ۳۵۵ رو
 مجله ص ۲۷ سطر اول تا ص ۲۹ سطر ۱۵ از شجره برگ ۹۶ رو سطر ۴ تا سطر ۶ برگ ۱۰۱ پ
 مجله ص ۲۹ سطر ۱۵ تا سطر سوم ص ۲۲ از شجره برگ ۱۰۶ پ سطر ۱۵ تا سطر ۷ برگ ۱۱۰ رو
 مجله ص ۳۴ سطر ۲۳ تا ص ۴۴ سطر ۷ از شجره برگ ۱۱۰ رو سطر ۸ تا سطر ۲۰ برگ ۱۱۷ رو
 مجله ص ۴۷ سطر ۲ تا ۵ از شجره برگ ۲۷۶ رو سطور ۱۲ - ۱۵
 مجله ص ۴۷ سطر ۶ تا ۱۰ از شجره برگ ۲۷۶ رو سطور ۲۲ - ۲۵
 مجله ص ۴۷ سطور ۱۱ تا سطر ۴ ص ۴۸ از شجره برگ ۲۷۶ پ سطر ۲۱ تا سطر ۱۶ برگ ۲۷۷ رو
 مجله ص ۴۸ سطور ۴ تا ۲۵ از شجره برگ ۲۷۸ رو سطر ۱۱ تا سطر ۲۹ برگ ۲۷۸ پ
 مجله ص ۴۹ سطر ۲۷ تا سطر ۱۹ ص ۵۱ از شجره برگ ۳۸۶ رو سطر ۶ تا سطر ۱۱ برگ ۳۸۸ پ
 مجله ص ۷۰ سطر ۱۶ تا سطر ۲۰ ص ۷۲ از شجره برگ ۱۸۷ پ سطر ۱۳ تا سطر ۲۵ برگ ۱۹۰ رو
 مجله ص ۷۵ سطر ۲۰ تا سطر ۱۷ ص ۷۷ از شجره برگ ۳۲۰ پ سطر اول تا سطر سوم برگ ۳۲۱ پ



بر حیات فکری شرق همچنین بنگرید به: نصر ۱۹۸۳ ص ۳۸ به بعد؛ چیتک ۱۹۹۶، ص ۵۱۰، ۵۲۳.

۴. در مورد مکتب سهروردی بنگرید به: کرین ۱۹۳۹؛ نصر ۱۹۶۳، ص ۳۷۲، ۳۹۸. همچنین رک: ضیائی، ۱۹۹۰ (الف)؛ و البریج ۱۹۹۲؛ ضیائی، ۱۹۹۶ (الف) ص ۳۳۴، ۴۶۴. در مورد گسترش اندیشه وی در شرق بنگرید به: نصر، ۱۹۷۰، ص ۱۱۱، ۱۲۱؛ ضیائی (۱۹۹۶ ب) ص ۴۶۵، ۴۹۶.

۵. با این حال هنوز وجود تاثیر فلسفه اشراق بر متفکران امامی نیازمند تحقیق است. مولف این سطور در جایی دیگر نشان داده است که نسبت شرحی بر حکمه الاشراق به علامه حلی (متوفی ۷۲۶/ق/۱۳۲۵م) به عنوان مثال رک: نصر، ۱۹۷۰، ص ۱۱۲ نادرست است. رک: اشمیتکه ۱۹۹۱، ص ۷۱. همین گونه مورد تردید است که تعالیم مکتب اشراق تاثیری بر اندیشه نصیر الدین طوسی (متوفی ۶۷۳/ق/۱۲۷۴م) نهاده باشد. مولفان متاخر چون صدر الدین شیرازی (متوفی ۱۰۵۰/ق/۱۶۴۰م) ذکر کرده‌اند که نصیر الدین طوسی متأثر از مفاهیم اشراقی در مساله علم خدا بوده است و در رد مشهورش بر نظرات ابن سینا در شرح کتاب بر اثر الاشارات و التنبیهات ابن سینا و همین گونه در مسائل دیگر. رک: رحمان، ۱۹۷۵، ص ۱۵۷، ۱۶۵. پی‌نوشت ۵۸: نصر، ۱۹۷۰، ص ۱۱۲. همچنین رک: EI۲ جلد ۴ ص ۱۲۱؛ مدرسی ۱۳۳۵/ش/۱۹۵۶م، ص ۸ - ۱۶۷. مولفان قدیمی‌تر مثل شمس الدین شهرزوری (الشجره الاهیه، برگ ۳۸۹ پشت) از مشابهت بین نظرات اشراقی در علم باری تعالی با تفسیر نصیر الدین از این مساله آگاه بوده‌اند با این حال اشاره نکرده‌اند که نصیر الدین در این امر متأثر از سهروردی بوده است. رحمان (رحمان ۱۹۷۵، ص ۱۵۷ به بعد) اشاره نموده که شباهت ادعا شده بین نظرات سهروردی و نصیر الدین طوسی در شرح بر کتاب اشارات ابن سینا بسیار محدود است و نصیر الدین مسلماً در این مساله متأثر از مفاهیم اشراقی سهروردی نبوده است. برای خلاصه‌ای از تفسیر نصیر الدین از علم الهی در شرح خود بر اشارات ابن سینا رک: ماموراه ۱۹۶۲، ص ۳۰۱ پی‌نوشت ۱۹.

۶. در مورد صدر الدین شیرازی و مکتب اصفهان رک: نصر، الف ۱۹۹۶ و نصر ب ۱۹۹۶؛ کرین ۱۹۸۱؛ نیومن، ۱۹۸۶؛ دبشی الف ۱۹۹۶؛ ضیائی، ۱۹۹۶؛ نصر ۱۹۹۶.

۷. رک: شهرزوری، ۱۹۹۳.

۸. رک: شهرزوری، ۱۹۹۳، مقدمه ص ۱۴ به بعد؛ نصر ۱۹۷۰، ص ۱۱۲ - ۱۱۱.

۹. تحقیق خ. احمد (حیدرآباد ۱۳۹۶/ق/۱۹۷۶). رک: GALS، ۱:۸۵۰-۵۱. این کتاب یکی از معبود منابعی است که جزئیات اندکی از شرح حال سهروردی را ارائه می‌دهد. روایت وی در مورد شیخ اشراق را Spies و Khatak، ۱۹۳۵، ص ۹۰ - ۱۲۱ (متن چاپی)، ص ۹۴ - ۱۰۱ ترجمه و تصحیح نموده‌اند. متن را سید حسین نصر بار دیگر در مقدمه بر فلسفه سهروردی در ۱۹۷۰م تصحیح نموده است.

مجله ص ۲۱۵ سطر ۶ تا سطر ۹ ص ۲۱۸ از شجره برگ ۴۱۹ رو سطر ۲۳ تا برگ ۴۲۱ سطر ۹

مجله ص ۲۱۹ سطر ۲۴ تا سطر ۹ ص ۲۲۰ از شجره برگ ۴۲۲ رو و پشت

مجله ص ۲۳۹ سطر ۲۳ تا سطر ۵ ص ۲۴۰ از شجره برگ ۲۲۳ پ سطور ۹-۲۰

مجله ص ۲۴۰ سطر ۵ تا سطر ۲۰ ص ۲۵۳ از شجره برگ ۲۲۳ رو سطر سوم تا سطر ۲۴ برگ ۲۴۰ پ

مجله ص ۲۵۳ سطر ۲۰ تا سطر ۶ ص ۲۵۶ از شجره برگ ۲۴۴ رو سطر ۲۰ تا برگ ۲۴۷ رو سطر ۱۵

مجله ص ۳۲۸ سطر ۲۱ تا سطر ۲۷ ص ۳۳۲ از شجره برگ ۱۱۷ پ سطر ۱۲ تا سطر ۵ برگ ۱۲۴ پ

مجله ص ۳۳۳ سطر ۵ تا سطر ۱۱ ص ۳۳۵ از شجره برگ ۱۲۷ رو سطر ۳۱ تا برگ ۱۳۰ رو

مجله ص ۵۰۰ سطر ۹ تا سطر ۷ ص ۵۰۲ از شجره برگ ۳۹۷ پ به بعد برگ ۴۰۱ به بعد برگ ۴۰۴ به بعد

مجله ص ۵۰۲ سطر ۱۲ تا سطر ۲۱ ص ۵۰۵ از شجره برگ ۴۱۵ پ سطر ۲۰ تا سطر ۷ برگ ۴۱۷ پ

مجله ص ۵۰۵ سطر ۳۳ تا سطر ۱۴ ص ۵۰۷ از شجره برگ ۴۰۵ به بعد مجله ص ۵۰۷ سطور ۱۴ - ۲۴ از شجره برگ ۴۱۵ رو سطور ۱۱-۲۵

مجله ص ۵۰۷ سطور ۲۶ تا سطر ۱۸ ص ۵۰۸ از شجره برگ ۴۱۵ سطر ۲۷ تا سطر ۲۰ برگ ۴۱۵ پ

مجله ص ۵۶۹ سطور ۱۲ تا ۲۴ از شجره برگ ۴۳۱ رو سطر ۲۶ تا سطر ۹ برگ ۴۳۱ پ

پی‌نوشت‌ها:

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Sabine Schmidtke, The Influence of Sams al-Din Sahrazuri (۷th/۱۳th) on the Ibn Abi Gumhur al-Ahsai (d. after ۹۰۴/۱۴۹۹), A preliminary note, in *Encounters of Words and Texts*, ed Lutz Edzard and Christin Szyske (Zurich, ۱۹۹۷).

مولف این سطور خانم زاینه اشمیتکه پایان نامه خود را به بررسی زندگی علامه حلی اختصاص داده‌اند که به فارسی ترجمه شده است. به تازگی و بعد از نگارش این مقاله کتابی نیز به آلمانی در مورد ابی‌جمهور احسایی منتشر کرده‌اند. مترجم

۲. بنگرید به: نصر ۱۹۸۴، ص ۲۴۹، ۲۵۰؛ در مورد نصیر الدین طوسی همچنین رک: دبشی، ۱۹۹۶.

۳. در مورد وی بنگرید به: چیتکه ۱۹۷۸. برای نفوذ اندیشه ابن عربی



۱۰. در مورد شجره الاهیه رک: ضیائی، ۱۹۹۰، ص ۱۴-۱۶، ۸۹، ۱۰۸؛ ضیائی، ۱۹۹۶، ص ۸۴-۴۷۶؛ همچنین سهرودی، ۱۹۹۳، در مقدمه ص ۱۴ به بعد. ضیائی این کتاب را بر اساس نسخه برلین آهلوارت شماره ۵۰۶۳ توصیف کرده است. رک ضیائی، ۱۹۹۰، ص ۹۳-۹۲. من از نسخه نویسن ۲۲۹ (که در اینجا از آن نقل کرده‌ام) استفاده می‌کنم. برای دیگر نسخ کتاب رک: GAL، ۱:۴۶۹ و GAL، تکمله ج ۱ ص ۸۵۱. برای آثار دیگر شهرزوری رک: شهرزوری، ۱۹۹۳، مقدمه ص ۱۴.
۱۱. رک: GAL، تکمله ج ۱ ص ۸۵۱؛ شهرزوری، ۱۹۹۳، مقدمه، ص ۱۵.
۱۲. شهرزوری، ۱۹۹۳، مقدمه، ص ۱۵-۱۶.
۱۳. برای فهرستی از جزئیات محتوی کتاب رک: ضیائی، ۱۹۹۰، ص ۹۳-۹۶.
۱۴. ضیائی، ۱۹۹۰، ص ۱۵-۱۶، ۲-۹۱. مساله حوزه‌ای که سهرودی در گسترش مکتب اشراق در آن مشارکتی همراه با نوآوری داشته است، مورد اتفاق نیست و نیازمند تحقیق است.
۱۵. رک: ضیائی، ۱۹۹۰، ص ۸۹؛ ضیائی، ب ۱۹۹۶، ص ۴۶۹؛ سهرودی، ۱۹۸۶، ص ۵۹؛ سهرودی، ۱۹۹۳، ص ۴۸.
۱۶. رک: ضیائی، ۱۹۹۰، ص ۱۵، ۹۰.
۱۷. قهس: سهرودی، ۱۹۹۳؛ ۴۸:۱ ج ۲ ص ۶۴ (Prolegomenes)؛ در مورد این کمونه رک: Encyclopaedia Judica، ج ۸ ص ۱۱۸۶-۱۱۸۷، GAL، ج ۱ ص ۴۳۱-۴۳۲؛ GAL، تکمله ج ۱ ص ۷۶۸-۷۶۹؛ ضیائی، ب ۱۹۹۶، ص ۴۸۴-۴۹۲.
۱۸. المجلی (تهران، ۱۳۲۴/ش/۱۹۰۶م و ۱۳۲۹/ش/۱۹۱۱م). تنها چاپ ۱۳۲۹/ش/۱۹۱۱م در دسترس من بوده است. در مورد مولف رک: دائرة المعارف اسلام (EI)، تکمله، ص ۳۸۰؛ مادلونگ، ۱۹۷۸، ص ۵۶-۱۴۷؛ همچنین رک: کول، ۱۹۸۷، ص ۸۲-۱۸۰؛ همو، ۱۹۹۳، ص ۱۴۷، پی نوشت ۶.
۱۹. رک: مجلی، ص ۴۴ سطور ۱۰-۱۲. کتاب مشتمل بر موضوعات تقریباً همانند مباحث کلامی است. مقدمه (مجلی، ص ۴۸ به بعد) توحید (مجلی، ص ۱۰۹ به بعد) بحث‌های تفصیلی در صفات ثبوتی (مجلی، ص ۱۳۰ به بعد) و صفات سلبی (مجلی، ص ۱۴۷ به بعد)، افعال خدا که این بخش همانند با فصل عدل الهی در کتب کلامی معتزله است (مجلی، ص ۲۰۲ به بعد)، امامت (مجلی، ص ۳۱۹ به بعد) فناء و اعاده الاجسام (مجلی، ص ۴۹۱ به بعد)، توبه (مجلی، ص ۵۱۲ به بعد) ماهیت عقیده (ایمان و کفر) (مجلی، ص ۵۱۶ به بعد) همچنین رک: مادلونگ، ۱۹۷۸، ص ۱۴۵.
۲۰. قس مادلونگ، ۱۹۷۸، ص ۱۴۹-۱۵۰. در حال حاضر مولف در حال تهیه مطالعه تفصیلی در باب کلام ابن‌ابی‌جمهور است.
۲۱. مجلی، ص ۵۷۴ سطور، ۹-۱۰.
۲۲. مجلی، ص ۵۸۵، سطور ۱۰-۱۱. در مقدمه بر کتاب المجلی، ابن‌ابی‌جمهور تذکر می‌دهد که او کتاب مسلک الافهام را قبلاً نگاشته، بعد از نوشتن کتب متعددی در کلام. مجلی، ص ۳ سطور، ۱۸-۱۹ همچنین
- رک: مادلونگ، ۱۹۷۸، ص ۱۵۱.
۲۳. برای مثال رک: مجلی، ص ۲۰۸، جایی که وی از نظرات اشاعره و معتزله در مورد اساس ویژگی معیارهای اخلاقی برای خیر و شر (حسن و قبح) بحث می‌کند. مجلی، ص ۲۲۴-۲۲۵ که از معنای شرایط الزام اخلاقی (تکلیف) سخن می‌گوید.
۲۴. قس به عنوان مثال: مجلی، ص ۳۱۰، ۳۲۳.
۲۵. به عنوان نمونه رک: مجلی، ص ۲۲۵.
۲۶. قس: لوث، ۱۸۷۷، ص ۱۲۷.
۲۷. قس: کشف البراهین، برگ ۲۸۸ رو، سطر ۱۰، برگ ۲۹۱، سطر ۳۶، برگ ۲۹۲ پ، سطور ۲۳-۲۴، برگ ۳۰۰ رو، سطر ۲۱؛ قس لوث، ۱۸۷۷، ص ۱۲۷.
۲۸. تقریباً هیچ نشانی از عقیده به وحدت وجود ابن‌عربی در کشف البراهین وجود ندارد.
۲۹. در مورد تعالیم مکتب ابوالحسن بصری و تأثیرش بر کلام شیعه قس: ابن‌ملاحمی، ۱۹۹۱، مقدمه. همچنین رک: اشمیتکه، ۱۹۹۱، ص ۵ به بعد و سراسر کتاب.
۳۰. برای مثال رک: کشف البراهین، ۲۹۶ پشت، سطر ۳۵، جایی که ابن‌ابی‌جمهور با نقل حدیث «لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین» از امام جعفر صادق علیه السلام استدلال می‌کند که آدمی تا حدی مسئول افعال خود است، چرا او علت قریبه فعل خویش است، از آن روی که وی بر اساس قصدش عمل می‌کند، خلوند نیز توانایی عمل او را (در مقام علت علل) فراهم می‌کند. علیرغم آنکه آدمی علت قریبه افعالش است و از آنجایی که عاملی انتخابی در کار است، او علت تامه فعلش نبوده چرا که توانایی وی در انجام فعل را خلوند خلق می‌کند. در کتاب مجلی، ابن‌ابی‌جمهور همین‌گونه چنین نتیجه‌ای را اتخاذ می‌کند. با این حال در اینجا او استدلالش را بر اساس نظر وحدت وجود آغاز کرده است. رک: مجلی، ص ۲۱۲ به بعد. همچنین رک: مادلونگ، ۱۹۷۸، ص ۱۵۰.
۳۱. به عنوان مثال رک: مجلی، ص ۲۱۹، سطر ۲۴ تا سطر ۹ ص ۲۲۰ از شجره الاهیه، برگ ۴۲۲ رو و پشت؛ مجلی، ص ۵۰۰ سطر ۸ تا سطر ۱۲ ص ۵۰۲ از شجره الاهیه، برگ ۳۹۷ پ به بعد، ۴۰۱ رو به بعد، ۴۰۴ رو به بعد؛ مجلی، ص ۵۶۹، سطور، ۱۳-۲۴ از شجره، برگ ۴۳۱ رو سطر ۲۶ تا سطر ۹ برگ ۴۳۱ پ.
۳۲. بنگرید به ضمیمه.
۳۳. برای مثال فصل در باب اثبات وجود خدا (فی اثبات الوجود) شجره ۳۲۶ پ-۳۳۵؛ فصل در باب اسماء و صفات خدا (فی اسماء و الصفات التي للواجب لذاته) شجره ۳۳۵ پ-۳۳۸؛ عبارت‌های مفصلی از فصل فی ادراک الواجب لذاته و المفارقات العقلية و علم النفوس) شجره ۳۸۱ پ-۳۹۷ پ. همچنین در فصل اعاده شجره ۴۰۱ رو-۴۱۹ رو. با این حال خواننده می‌بایست در نظر داشته باشد که اندیشه ابن‌ابی‌جمهور پذیرش

احمد بن حنبل، مسند (برگ ۳۰۴ پ، سطر ۱۳، ۳۶، برگ ۳۰۵ پ، سطر ۱۵).
۳۶. به عنوان مثال مجلی ص ۷۱ سطر ۲۰ (هنا ما نقل عن بعض محققى اهل الحکمه من احوال الزمان)؛ مجلی، ص ۱۳۷، سطر ۲۱ - ۲۳ (و البعض اهل الاشراق من المتأخرين طريق حسن لطيف و هي محض الحق و النفس الصدق بل هي من العلم المخزون و السر المصون الذى لا يطلع عليه الا العقول حصلها هذا الشيخ بطريق الاشراق و الكشف النوق تام افضلها من تأخر عنه... و هي). ابن ابی جمهور از نام بردن اسم ابن شیخ خودداری کرده است. موارد دیگر مجلی ص ۱۴۳ سطر ۱۲ (قال بعض اهل الحکمه): مجلی ص ۱۶۵ سطر ۱۴ (قال بعض المتأخرين)؛ مجلی ص ۵۰۵ سطر ۲۱ - ۲۳ (هذا خلاصتها ما ذكرها بعض الحكماء الاسلاميين من المتأخرين)؛ مجلی، ص ۵۰۷ سطر ۲۵ - ۲۶ (قال بعض اهل هذا الطريق من المتأخرين).

۳۷. مجلی، ص ۱۳۷، سطر ۲۱.

۳۸. مجلی، ص ۱۶۵، سطر ۱۴، ص ۵۰۷، سطر ۲۵ - ۲۶.

۳۹. مجلی، ص ۵۰۵، سطر ۲۱ - ۲۲.

۴۰. مجلی، ص ۸۵، سطر ۴.

۴۱. مجلی، ص ۱۴۳، سطر ۱۲، ص ۳۲۸، سطر ۲۱.

۴۲. برای مثالهای دیگر از کتبی که مولفان آن در تالیف اثرشان از آثار قدیمی تر بهره فراوانی برده اند رک: میر، ۱۹۷۷، ص ۳۲۱ - ۳۲۲. مفهوم سرقت در ادبیات عربی تنها در شعر کاربرد داشته است. رک: گرونیوم، ۱۹۴۴، ص ۲۳۴ - ۲۵۳؛ هنریخ، ۸۸ - ۱۹۸۷، ص ۶۸ - ۳۵۷؛ همچنین رک: ابودنبه، ۱۹۹۰، ص ۳۵۱؛ پلاد، ۱۹۹۱، ص ۳۶ - ۳۷؛ مزولف، ۱۹۹۲، ج ۱ ص ۶۲ - ۶۱.

۴۳. قس: شهرزوری، ۱۹۹۳، مقدمه، ص ۱۵ - ۱۶.

۴۴. تنها اثر اشراقی دیگر که ذکر شده و نقلی از آن بیان شده، یک مورد است و آن شرح حکمه الاشراق نوشته قطب الدین شیرازی است. قس: مجلی، ص ۵۶۶، سطر ۲۵ به بعد.

۴۵. بنگرید به قبل. میر داماد و صدر الدین شیرازی بر عکس از شهرزوری به عنوان یکی از منابع خود یاد کرده اند. قس: ضیائی، ۱۹۹۰، ص ۱۰۴ - ۱۰۶، پی نوشت ۹.

۴۶. به علاوه نسخ فهرست شده در GAL (تکمله) ج ۲ ص ۲۷۲، این نسخ را می توان ذکر نمود. نسخه خطی پربستون، شماره های ۵۸۸، ۶۰۵، ۱۰۲۹، ۱۸۲۷، همگی ناقص هستند (رک ماخ و رامی، ۱۹۸۷، ص ۴۰ شماره ۷۶۳)؛ چستریتی، ۳۸۱۰ (رک آبربی، ۶۶ - ۱۹۵۵، ج ۴ ص ۱۸). این نسخه آخری با وجودی که ناقص می باشد، اهمیت خاصی دارد (بخش های همانند با ص ۱۸ سطر ۱۵ تا سطر ۵۵ ص ۱۷، چاپ تهران ۱۳۲۴ می باشد که بین برگ های ۵ پ و ۶ رو افتادگی دارد) نسخه بسیار قدیمی است که در هشت ربیع الثانی ۱۸۹۶ ق/ فوریه ۱۴۹۱ استتساخ شده و از نسخه اصل مولف تحریر شده است (۳۲۷ پ). نام کاتب ذکر نشده است. با این حال

نظرات اشراقی بوده زمانی که به رونویسی از بخشهای الشجره الاهیه شهرزوری مشغول بوده است. با وجود این که ابن ابی جمهور شدیدا تحت تاثیر الشجره الاهیه شهرزوری است، در تفصیل مساله حیات آدمی بعد از مرگ (مجلی، ص ۸ - ۵۰۰) تردیدی نیست که با نظر شهرزوری در این مساله توافق ندارد، بلکه کاملاً بر نظر سنتی کلامی معاد جسمانی تاکید دارد. رک: مجلی، ص ۹۳ - ۴۹۲.

۳۴. قس مادلونگ، ۱۹۷۸، ص ۱۵۵ پی نوشت ۳۲.

۳۵. رک: برای مثال کشف البراهین جایی که از ابن مولفان و آثارشان با اشاره به نام نقل قول آورده شده است. الزمخشری، کشف (سطر ۲۴ برگ ۲۸۳ پ)؛ الشیخ المقداد (برگ ۲۸۴ ر، بند اول سطر ۲۸، برگ ۲۹۰ پ سطر ۲۶، برگ ۲۹۳ رو سطر ۳۱، برگ ۳۰۲ سطر ۳۹، برگ ۳۰۳ رو سطر ۵)؛ النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، (برگ ۲۸۷ پ سطر ۲۷)، الانوار الجلالیه لشرح الفصول النصیریة (برگ ۲۸۷ پ سطر ۱۳)؛ فخر الدین رازی (برگ ۲۸۵ رو، سطر ۳۳، برگ ۲۸۵ سطر ۳۱، برگ ۲۹۵ رو، سطر ۲۲)، محصل افکار المتقدمین و المتأخرین، (برگ ۲۹۳ رو، سطر ۳۰، برگ ۳۰۴ رو سطر ۱۶ - ۱۷)؛ نصیر الدین طوسی، نقض المحصل (برگ ۲۸۵ پ، سطر ۳)؛ الفصول فی الاصول (برگ ۲۸۷ پ، سطر ۲۵)؛ العلامة الحلی، (برگ ۲۸۵ پ سطر ۳۲، برگ ۲۸۸ پ سطر ۱۵، برگ ۳۰۶ رو، سطر ۱۶)، الافئین الفارق بین النصف و المین، (برگ ۳۰۴ رو، سطر ۳۹)، نهج الکرامه (احتمالاً منهاج الکرامه فی معرفه الامام است) (برگ ۳۰۴ رو سطر ۳۹)؛ ابواسحاق ابراهیم بن النوبخت، کتاب الیاقوت (برگ ۲۸۵ پ سطر ۲۶، برگ ۲۹۲ پ، سطر ۵، برگ ۲۹۶ رو، سطر ۲۳) در مورد این کتاب رک اشمیتکه، ۱۹۹۱، ص ۴۸. کتاب الایتهاج (برگ ۲۹۲ پ سطر ۵، تنها ذکر شده که نویختی به این کتاب در اثرش کتاب الیاقوت اشاره کرده است. ابن ابی جمهور گفته که این کتاب در دسترس وی نبوده است)؛ کمال الدین میثم الجحرانی (برگ ۳۰۲ پ، سطر ۳۸ - ۳۷)، قواعد المرام فی علم الکلام (برگ ۲۸۷ پ، سطر ۳۱، ۳۸)؛ شرح نهج البلاغه (برگ ۳۰۴ رو، سطر ۲۸، برگ ۳۰۴ پ سطر ۳۱)؛ الشیخ الخضر (برگ ۳۰۳ رو، بند اول، سطر ۵)؛ کتاب الغرر (برگ ۲۸۷ پ، سطر ۳۰)؛ الشیخ یوسف ابن ابی (برگ ۲۹۰ پ، سطر ۲۸، برگ ۲۹۴ پ، سطر ۱۵)؛ السید المرتضی، (برگ ۲۹۳ پ، سطر ۱۶، برگ ۳۱۶ رو، بند اول، سطر ۲۴)، تنزیه الانبیاء (برگ ۳۰۲ رو، سطر ۲۱)؛ الکافی (برگ ۳۰۴ رو، سطر ۳۹)؛ الشیخ المفید، کتاب الارشاد (برگ ۳۰۴ رو، سطر ۳۹)؛ کتاب ابن شهر آشوب (احتمالاً به مناقب آل ابی طالب نظر داشته است) (برگ ۳۰۴ رو، سطر ۴۰)؛ الشیخ الطوسی، (برگ ۳۱۶ رو، بند اول، سطر ۲۴)؛ جعفر بن محمد المشهدی، کتاب الاعتبار فی ابطال الاختیار؛ کتاب المناقب فی فضل آل ابی طالب (برگ ۳۰۴ رو، سطر ۴۰ رک همچنین مجلی، ص ۲۹۰ سطر ۱۸ - ۱۹)؛ السید هبه الله، کتاب الانوار (احتمالاً به الانوار فی تواریخ الائمة الاطهار نوشته ابو الحسن علی به هبه الله بن عثمان ابن الرائق الموصلی نظر داشته است. رک: ذریعه، ج ۲ ص ۴۱۲، رقم ۱۶۴۴) (برگ ۳۰۴ رو، سطر ۳۹)؛



(eds) 1996. *History of Islamic Philosophy*. London (1:597-634).

El²: *Encyclopaedia of Islam*, 1960- 2nd edition. H. Gibb et al. (eds). Leiden.

GAL: Carl Brockelmann 1937-49. *Geschichte der arabischen Litteratur*. 2nd edition. Leiden.

Grunebaum, G. Von 1944. *The Concept of Plagiarism in Arabic Theory*, in: *Journal of Near Eastern Studies* 3 (234-53).

Heinrichs, W. 1987-1988. *An Evaluation of Sariqa*, in: *Quaderni di Studi Arabi* 5-6 (357-68).

Loth, O. 1877. *Catalogue of the Arabic Manuscripts in the Library of the India Office*. London.

Mach, R. and Ormsby, E. L. 1987. *Handlist of Arabic Manuscripts (New series) in the Princeton University library* Princeton.

Madelung, W. 1978. *Ibn Abi Gumhur al-Ahsai's Synthesis of Kalam, Philosophy and Sufism*, in: *La signification du Bas Moyen Age dans l'histoire et la culture du monde musulman: Actes du 8eme congres de l'Union europeenne des arabisants et islamisants (Aix-en-provence, 1976)*. Aix-en-Provence (147-56). (Reprinted in: Madelung, W. (ed) 1985. *Religious schools and Sects in Medieval Islam*. London).

Marmura, M. E. 1962. *Some Aspects of Avicenna's Theory of God's Knowledge of Particulars*, in: *Journal of the American Oriental Society* 82 (299-312).

Marzolph, U. 1992. *Arabia Ridens. Die humoristische Kurzprosa der fruhen adab-Literatur im in-ternationalen Traditionsgeflecht*. Frankfurt am Main.

Meier, F. 1977. *Ein Briefwechsel [sic] zwischen saraf ud-din-i Balhi und Magd ud-din-i Bagdadi*, in: S. H. Nasr (ed) 1977. *Melanges offerts a Henry Corbin. Wisdom of Persia*, 9. Tehran (321-66).

Nasr, S. H. 1963. *Shihab al-Din Suhrawardi Maqtul*, in: M. M. Sharif (ed) 1966. *A History of Muslim Philosophy*. Wiesbaden (1:372-98).

محمد باقر اصفهانی، مالک نسخه از سال ۱۳۲۴ به بعد گمان می‌کند که نسخه را خود مولف نگاشته است. (برگ ۱ رو) او به اجازه‌ای در آخر کتاب (۳۲۷ رو - ۳۲۹ پ) اشاره می‌کند که خود ابن ابی جمهور کتابت نموده است. (برگ ۳۲۷ پ). تحقیق کاملی در فهرست نسخه‌های خطی ایران مسلمان دسترسی به اطلاعات دیگری از نسخ کتابت شده را در پی خواهد داشت.

کتابشناسی مقاله تأثیر شمس‌الدین شهرزوری بر ابن ابی جمهور

احسائی

Abu Deeb, K. 1990. *Literary Criticism*, in: Julia Ashtiany et al. (ed.) 1990. *"Abbasid Belles-Lettres*. Cambridge (339-87).

Arberry, A. J. 1955-66 *The Chester Beatty Library: A Handlist of the Arabic Manuscripts*. Dublin Chittick, W. C. 1978. *The Last Will and Testament of Ibn Arabi's Foremost Disciple and some Notes on its Author*, in: *Sophia Perennis* 4 (43-58).

Chittick, W. C. 1996. *The school of Ibn Arabi*, in: S. H. Nasr and O. Leaman (eds) 1996. *History of Islamic philosophy*. London (1:510-23).

Cole, J. R. I. 1987. *Rival Empires of Trade and Imami shiism in Eastern Arabia, 1300-1800*, in: *Inter-national Journal of Middle East Studies* 19 (177-204).

Colc, J. R. I. 1994. *The World as Text: Cosmologies of shaykh Ahmad al-Asha'i*, in: *Studia Islamica* 80 (145-63).

Corbin H. 1939. *Suhrawardi d'Alep, fondateur de la doctrine illuminative (ishraqi)*. Paris.

Corbin, H. 1981. *La Philosophie iranienne islamique aux XVIIe et XVIIIe siecles*. Paris.

Dabashi, H. 1996. *Khwaiah Nasir al-Din al-Tusi: the philosopher / Vizier and the intellectual climate of his times*, in: S. H. Nasr and O. Leaman (eds) 1996. *History of Islamic Philosophy*. London (1:527-84).

Dabashi, H. 1996a. *Mir Damad and the founding of the school of Isfahan*, in: S. H. Nasr and O. Leaman



on The Philosophy of Illumination. Critical Edition of the 13th c. Arabic text, Introduction and Notes by Hossein Ziai. Tehran.

Spies, O. and Khatak, S. K. 1935. Three Treatises on Mysticism by shihabuddin Suhrawardi Maqtul. Bonner Orientalische Studien. Stuttgart.

Suhrawardi 1970. Shihabuddin Yahya Sohravardi, Oeuvres Philosophiques et mystiques. Vol II, Oeuvres en Persan (Opera Metaphysica et Mystica III). Ed. Par. S. H. Nasr. Bibliotheque iranienne, 17. Tehran.

Suhrawardi 1986. Shihaboddin Yahya Sohravardi. Le Livre de la Sagesse Orientale (Kitab Hikmat al-Ishraq). Commentaires de Qotboddin SHirazi et Molla Sadra SHirazi. Traduction et notes par Henry Corbin, etablies et introduites par Christian Jambet. Paris.

Suhrawardi 1993. Shihaboddin Yahya Sohravardi, Oeuvres Philosophiques et mystiques. Tome I et II. Textes edites avec Prolegomenes en francais par Henry Corbin. Tehran.

Walbridge, J. 1992. The Science of Mystic Lights. Qutb al-Din shirazi and the Illuminationist Tradition in Islamic Philosophy. Harvard Middle Eastern Monographs, 26. Cambridge, Mass.

Ziai, H. 1990a. Knowledge and Illumination. A Study of Suhrawardi's Hikmat al-Ishraq. Brown Judaic studies, 97. Atlanta.

Ziai, H. 1990b. The Manuscript of al-Shajara al-ilahiyya: A Philosophical Encyclopaedia by shams al-Din Muhammad sahrasuri, in: Iranshenasi 2 i (14-16, 89-108).

Ziai, H. 1996c. Mullasadra: his life and works. in: S. H. Nasr and O. Leaman (eds) 1996 History of Islamic Philosophy. London (1:635-42).

Nasr, S. H. 1964. three Muslim Sages. Cambridge, Mass.

Nasr, S. H. 1966a. The school of Isphahan, in: M. M. sharif (ed) 1966. A History of Muslim Philosophy. Wiesbaden (2:904-32).

Nasr, S. H. 1966b. sadr al-Din Shirazi (Mulla Sadra) in: Sarif (ed) 1966. A History of Muslim Philosophy. Wiesbaden (2:932-61).

Nasr, S. H. 1970. The Spread of the Illuminationist school of Suhrawardi, in: Islamic Quarterly 14 (111-21).

Nasr, S. H. 1983. The Relation between Sufism and philosophy in Persian Culture, in: Hamdard Islamicus 4 iv (33-47).

Nasr, S. H. 1984. Afdal al-Din Kashani and the philosophical World of Khwaja Nasir al-Din Tusi in: M. E. Marmura (ed) 1984. Islamic Theology and Philosophy: Studies in Honor of George F. Hourani. Albany (249-64).

Nasr, S. H. 1996. Mulla Sadra: his teachings, in: S. H. Nasr and O. Leaman (eds) 1996. History of Islamic Philosophy. London (1:643-62).

Newman, A. J. 1986. Towards a Reconsideration of the "Isfahan School of Philosophy": Shaykh Bahai and the Role of the Safawid "Ulama in: Studia Iranica 15 (165-99).

Peled, M. 1991. On the Concept of Literary Influence in Calssical Arabic Criticism, in: Israel Oriental Studies 11 (37-46).

Rahman, F. 1975. The Philosophy of Mulla Sadra Studies in Islamic Philosophy and Science. Albany.

Schmidtke, S. 1991. The Theology of al-Allama al-Hilli (d. 726/1325). Islamkundliche Untersuchungen, 152. Berlin.

al-Sagara al-ilahiyya: Sams al-Din Sahrzuri, al-Sagara al-ilahiyya fi'ulum al-haqaiq al-rabbaniyaa. Ms tubingen 229.

Sahrzuri 1993. Sams al-Din Sahrzuri, Commentary